

زندگی و شهادت در «آن دو»

فیلم «آن دو» روایتی از زندگی و شهادت دو برادر از ایل بختیاری و اهالی روستای لردگان است که سال ۱۳۶۱ در آغوش یکدیگر به شهادت رسیدند.

محور داستان بر شخصیت ظفر، برادر دوازده ساله تمرکز دارد؛ نوجوانی که برای بازگرداندن برادر بزرگ ترش راهی جبهه می شود اما ناخواسته درگیر عملیات شده و سرنوشتی مشترک با او پیدا می کند.

این اثر به کارگردانی مرتضی حیدری در روزهای پایانی جشنواره، جایگزین فیلم «عروس چشمه» شد؛ فیلمی که پیش تر در سال ۱۴۰۳ در جشنواره کودکان و نوجوانان به نمایش درآمده بود. همین جابه جایی و حضور دوباره در چرخه جشنواره‌ای، خود پریشی دربارۀ چارچوب‌های انتخاب و سیاست‌گذاری جشنواره ایجاد می‌کند.

از منظر ساختاری، «آن دو» روایتی کلاسیک و خطی را دنبال می‌کند؛ بیوگرافی ساده‌ای در بستر سینمای دفاع مقدس که بیش از آن‌که به کشف لایه‌های دراماتیک بپردازد، به بازگویی مستقیم واقعه پسندۀ می‌کند. با وجود آن‌که سوز به رایۀ واقعیت شکل گرفته و ظرفیت عاطفی بالایی دارد، در اجرا فاقد خلاقیت در درام‌پردازی و میزاسنن است. شخصیت‌ها در سطح باقی می‌مانند و قصه فاقد فراز و فرود مؤثر برای درگیر کردن مخاطب است؛ گویی روایت صرفاً گزارشی تصویری از یک اتفاق تاریخی است، نه بازآفرینی سینمایی آن.



استفاده از لهجه اصیل ایل بختیاری می‌توانست به غنای اثر بیفزاید و هویت بومی فیلم را تقویت کند؛ اما حضور شخصیت‌هایی با گویش‌های متنوع و بعضا ناهم‌هنگ، نه تنها به انسجام اثر کمک نکرده بلکه در مواردی کارکرد دراماتیک مشخصی هم ندارد. در بازسازی فضای تاریخی نیز فیلم دچار ضعف‌هایی جدی است. طراحی صحنه، چهره‌پردازی، لباس و حتی فضا سازی صوتی جبهه، توانسته‌اند حس مستندگونه و باورپذیر از فضای جنگ خلق کنند و اثر در دام کلیشه‌های آشنا و تکرار شونده سینمای دفاع مقدس گرفتار شده است.

از این‌رو «آن دو» در میان آثار رقیب، حرف تازه‌ای برای گفتن ندارد. فیلم تلاش می‌کند با دیالوگ‌هایی احساسی، سوبه‌ای ضد جنگ به روایت بخشیده؛ اما همین رویکرد هم در سطح باقی می‌ماند و نه به عمق فاجعه انسانی جنگ می‌رسد و نه رشادت رزمندگان و رنج خانواده‌های شهدا را به شکلی تأثیرگذار بازنمایی می‌کند. نتیجه آن‌که مخاطب نه با مادران شهدا همذات‌پنداری عمیق پیدا می‌کند و نه با قهرمانان نوجوان قصه پیوندی درونی برقرار می‌سازد.

«آن دو» می‌توانست با تکیه بر ظرفیت بومی، نگاه تازه به مفهوم برادری و پرداخت انسانی‌تر به زیست یک نوجوان در بستر جنگ، به اثری ماندگار بدل شود؛ اما در شکل فعلی، بیشتر یادآور تکرار فرمی آشناست تا تجربه‌ای نو در سینمای دفاع مقدس.

خبر

با قطعی شدن حضور پنج فیلم «نیم شب»، «قایق سواری در تهران»، «زنده شور»، «بامبولک ۲» و «بهشت تبهکاران»، ویتترین سینمای ایران برای نوروز ۱۴۰۵ رسماً چیده شد. شورای صنفی نمایش با تمرکز بر آثار چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر، ترکیبی از آثار تحسین شده و تجاری را برای مهم‌ترین فصل اکران سال آماده کرده است. در این میان، فیلم زنده شور

رقابت سیمرغ داران در اکران نوروزی

به عنوان فاتح سیمرغ بلورین بهترین فیلم مردمی، کارگردانی و نقش اول مرد، پیشقراول اکران بهاری است. فیلم نیم شب نیز با افتخاراتی چون سیمرغ بهترین فیلمبرداری و نگاه ملی، در کنار کمدی بامبولک ۲ برای جذب مخاطب عام رقابت خواهد کرد. گزارش‌ها حاکی از رایزنی نهایی برای حضور «اسکورت» به کارگردانی یوسف حاتم‌ی‌کیا است که در صورت موافقت

سازندگان، وزن جوایز این ائتلاف نوروزی با حضور برنده سیمرغ تدوین و صداگذاری سنگین‌تر می‌شود. همچنین فیلم «آنتیک» ساخته هادی نائیچی پس از رفع برخی مشکلات اداری در هفته پیش‌رو، ششمین ضلع این رقابت خواهد بود. این ترکیب متنوع که از درام‌های ملی تا آثار کودک و کمدی را شامل می‌شود، نویدبخش سالی پربرونق برای گیشه سینماست.

طنز بهترین سنگر نقد اجتماعی

سیروس همتی کارگردان: افراد در نمایش «وی لا» نماینده طیف‌های گوناگون جامعه با سلایق مختلف هستند

ما به‌طور معمول بازیگران را پشت ماشین‌های شاسی‌بلند با زندگی‌های آنچنانی و شق و رق می‌بینیم اما احساس کردم با این نمایش می‌توانم تماشاگر را وارد زندگی خودم کنم و دیوار چهارم را بشکنم. این می‌تواند برای تماشاگر جذاب باشد که وارد ویلای سیروس همتی شده است. من خیلی راحت با لباسی ساده یا جلیقه و گرمکن در صحنه حاضر شدم و نقش خودم را بازی کردم. هر تماشاگری که می‌آید، می‌پرسد همسرت پزشک است و پاسخ من مثبت است. چون نقش بازیگر اصلی را از زندگی خودم برداشت کردم و همسرم جزو اپتومتریست‌های قارایی است و بسیاری فکر می‌کنند که بازیگر نقش دخترتم، دختر واقعی من است. یعنی به این اندازه احساس صمیمت و نزدیکی با نمایش داشتند اما دختران واقعی من طراح صحنه کار هستند. این بازخوردها موجب می‌شود احساس کنم مردم و تماشاگران با فضای نمایش همذات‌پنداری کردند. به جز این فکر می‌کنم هیچ‌کس جز خودم نمی‌توانست نقش خودم را بازی کند. اگر بازیگر دیگری می‌آمد، در جریان ریزه‌کاری‌ها یا طنزهای جاری در داستان قرار نمی‌گرفت. خواسته اصلی من این بود که دو شاخه نمایش‌نامه و کارگردانی را به عهده داشته باشم اما هر کاری کردیم نشد که بازیگر دیگری نقش خودم یعنی سیروس همتی را در نمایش بازی کند. ما در تبلیغ نمایش هم یادآوری کردیم: «هرونه اعتراضی داریم، به ویلای سیروس همتی بیایید». یعنی می‌گویم شما به ویلای بازیگر نمایش می‌آیید.

چطور تصمیم گرفتید طراحی صحنه و لباس به شکل مینی مال باشد؟

طراح صحنه بهار و نگار همتی بودند و این اولین کار طراحی آنهاست و در سال‌های گذشته بیشتر بازی می‌کردند و نگار بیشتر از بهار سرکار می‌آمد و دربارۀ جزئیات کاریمان با یکدیگر گفت‌وگو می‌کردیم. من از دخترانم خواش کردم دکور قابلیت جابه جایی داشته باشد. یعنی اگر در آینده می‌خواستیم نمایش را مجدد به عنوان مثال در تبریز که در نمایش آن سخن به میان می‌آید اجرا کنیم، اجزای نمایش باید قابلیت انتقال داشته باشد. بنابراین به صرفه بودن، قابل انتقال بودن و کاربردی بودن از جمله مسائلی بود که در طراحی صحنه روی آن تأکید داشتیم. من حتی فرش و گلیمی که در خانه داشتم را برای استفاده در نمایش روی صحنه آوردم.



به تماشاگران یادآوری کنم که او تلویزیون زیاد تماشا می‌کند و با بسیاری از مسائل روز مثل قیمت اجناس، طلا و دلار و حتی قیر آشناست. از طرف دیگر دوست داشتم حرف مردم از زبان افشین غیائی که نقش برادرم در نمایش را به عهده دارد گفته شود. این‌که تماشاگران هر کدام با شخصیتی از نمایش همذات‌پنداری کنند خیلی خوب است. درواقع بعضی با یکی از شخصیت‌ها مانند ولی به عنوان یک آرایشگر و ملی‌گرا که به خاک خودش علاقه‌مند است و می‌پذیرد که مملکت مشکلات اقتصادی دارد، همذات‌پنداری می‌کند. همچنین با نقش خودم بسیاری از آذری‌ها، با نقش همسرم بسیاری از پزشکان بسیاری از تماشاگران حسن نزدیکی و قرابت دارند. به‌نظرم «وی لا» نمایش طیف گسترده‌ای از نسل Z تا بزرگ‌ترهاست که مادر بزرگ نماد آن محسوب می‌شود.

حضور خودتان در نمایش کار را سخت نمی‌کند؟

از لحاظ عقاید ممکن است هیچ نقطه اشتراکی نداشته باشیم. تنها نقطه اشتراک ما در حضور جسمانی ما خلاصه می‌شود. به لحاظ باورها و عقاید یکی کاملاً راست، یکی کاملاً چپ و دیگری نیز سمت و سوی خاصی ندارد و همین ترکیب به نظرم الگویی مناسب برای افرادی که در وی لا حاضر می‌شوند بود. وی لا نماینده‌ای از آدم‌های جامعه و مکان آن می‌تواند نماد کشور و اوضاع اقتصادی ما باشد که متأسفانه ثبات ندارد. به‌طور معمول در طراحی شخصیت‌های نمایش من از حضور آدم‌ها کمک می‌گیرم. به عنوان مثال در طراحی شخصیت منیر خانم به عنوان بزرگ خانواده که صاحب احترام و جایگاه است برای بچه‌های نسل کوچک‌تر بیشتر از پدر و مادرشان اعتبار دارد. مادر بزرگ خانواده وجهه‌ای روحانی و حضوری معنوی دارد اما در عین حال سعی کردم او را از حالت بسیار مقدس بیرون بیاورم و



تمام آدم‌های نمایش ویلا برای من نماینده‌ای از اقشار مختلف هستند و اگر به بهانه‌های مختلف مثل عروسی و عزرا کنار هم جمع شویم، از لحاظ عقاید ممکن است هیچ نقطه اشتراکی نداشته باشیم

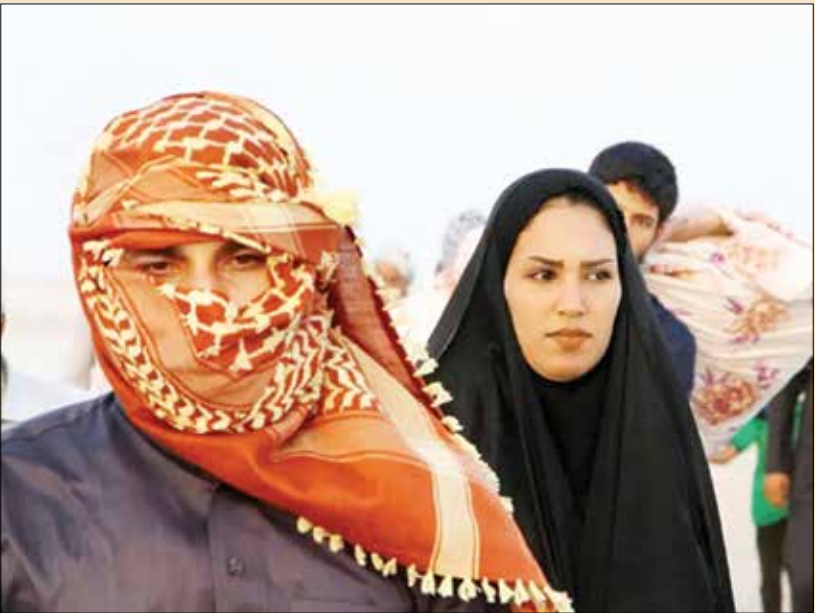
آیینی و سنتی هم نظیر چنین مسائلی را داریم و حتی اگر آثار اوژن یونسکو هم با زبان طنز بیان نشود؛ نه اگرانه چاپ می‌شود. به‌نظرم بهترین سنگر و پناهگاه برای بیان مسائل انتقادی زبان طنز است.

ترکیب بازیگران نمایش و گوناگونی عقایدشان به رغم این‌که در یک مکان یعنی ویلا جمع شده‌اند جالب و قابل توجه است. شخصیت‌پردازی در ذهن شما چطور شکل گرفت؟

تمام آدم‌های نمایش ویلا برای من نماینده‌ای از اقشار مختلف هستند و اگر به بهانه‌های مختلف مثل عروسی و عزرا کنار هم جمع شویم،

رقابت سامی در قلب ایتالیا

فیلم سینمایی «سامی» به کارگردانی حبیب باوی ساجد، به عنوان تنها نماینده سینمای ایران به بخش مسابقه اصلی جشنواره بین‌المللی سپینزا راه یافت. این اثر مستقل که پیش از این در جشنواره‌های روسیه و سوئد خوش درخشیده، داستانی انسانی درباره مردی را روایت می‌کند که پس از ۲۰ سال هنوز مرگ همسرش را باور ندارد. این جشنواره با شعار زندگی روزمره، از ۱۳ تا ۱۶ اسفندماه در شهر رم برگزار می‌شود و سامی برای تصاحب جایزه اصلی با رقبایی از شرق آسیا رقابت می‌کند.



موسیقی

ضیافت ارکسترال شعر و موسیقی

پروژه موسیقایی «بامداد بزم» به آهنگسازی مشترک صهبا امینی‌کیا و سیاوش رضوان بهبهانی، توسط مجموعه «ماهور» منتشر و روانه بازار شد. این اثر ارکسترال که با صدای رضوان بهبهانی جان گرفته، تلاشی نوآورانه برای ارائه بیانی تازه در تلفیق شعر معاصر و کلاسیک ایران است. در این آلبوم، موسیقی کلام در آثاری متنوع، از حافظ و مولانا تا فریدون توللی و محمد انوشهر جست‌وجو شده است. قطعاتی نظیر «پیرزن» با نگاهی مدرن و «به مرگان سیه» در دستگاه راست‌پنجگاه، تنوع فرمی این مجموعه را به رخ می‌کشند. صهبا امینی‌کیا، دانش‌آموخته کنسرواتوار سن پترزبورگ و سن‌فرانسیسکو که الفبای آهنگسازی را نزد مهران روحانی فرا گرفته، با بهره‌گیری از ساختارهای هارمونیک مدرن، فضایی مفهومی را برای همراهی آواز طراحی کرده است. بامداد بزم در ادامه آلبوم موفق «بودن»، تجربه‌ای شنیداری است که در آن خواننده و آهنگساز با رویکردی پژوهش‌محور، مرزهای میان اصالت سنت و پویایی مدرنیته را در نوردیده‌اند.



نمایش

«ماه بر روی زمین» مهمان شب‌های رمضان

مجموعه هنری تراب با همکاری فرهنگسرای اندیشه، نمایش آیینی «ماه بر روی زمین» را به مناسبت ماه مبارک رمضان و با هدف تبیین سیره زندگی حضرت علی(ع) روی صحنه می‌برد. این اثر به نویسندگی، تهیه‌کنندگی و کارگردانی امیراحمد رحمتی، با رویکردی معنوی و در فضایی شاد، تلاش دارد ابعاد شخصیتی و سیره والای مولای متقیان را برای مخاطبان ترسیم کند. این نمایش از ۹ تا ۱۶ اسفندماه، هر شب ساعت ۲۰:۴۵ به مدت ۹۰ دقیقه در سالن آمفی‌تئاتر فرهنگسرای اندیشه اجرا خواهد شد. نکته برجسته این رویداد، اجرای آن در قالب «نذر فرهنگی» است که امکان حضور رایگان عموم علاقه‌مندان را فراهم آورده است. در این پروژه هنری، جمع‌کنیری از بازیگران از جمله سیدعلیرضا درباباری، محمدیاسین نیشابوری، عاطفه اخوان مهدی حمیدی به ایفای نقش می‌پردازند. مزده فرجی، مدیر تولید و سیمدا دقیق برنامه‌ریزی این اثر را برعهده دارند تا در شب‌های ماه مبارک، ضیافتی نمایشی و معرفتی را برای شهروندان رقم زنند.

